



بررسی رابطه میان کتاب خوانی غیر درسی و گسترش دایره واژگان و

تسلط زبانی دانش آموزان

افسانه جعفرزاده

baranjafarzadeh6@gmail.com

کارشناسی ادبیات فارسی ، دانشگاه خراسان اصفهان ، مدرسه امام-متوسطه اول- ناحیه ۲



MDOI-02-2026.0441
MNR-455-2-F46308

چکیده

کتابخوانی غیردرسی یکی از فعالیتهای مؤثر در فرایند رشد شناختی و زبانی دانش آموزان است که می تواند فرصت مواجهه مستمر آنان با واژه ها، ساختارهای زبانی و شیوه های گوناگون بیان را فراهم کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش آموزان انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان دوره مورد مطالعه تشکیل می دهند و داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه میزان و عادت کتابخوانی غیردرسی، آزمون سنجش دایره واژگان و ابزار سنجش تسلط زبانی گردآوری می شود. برای تحلیل داده ها نیز از روش های آمار توصیفی و آزمون های استنباطی متناسب با ماهیت متغیرها استفاده می شود. بررسی مبانی نظری و یافته های پژوهش های پیشین نشان می دهد که مطالعه مستمر کتاب های غیردرسی می تواند با افزایش مواجهه دانش آموزان با واژه های جدید، آشنایی با کاربردهای متنوع زبان و تقویت مهارت خواندن، نوشتن و درک مطلب، زمینه گسترش دایره واژگان و ارتقای تسلط زبانی آنان را فراهم سازد. همچنین، انتخاب کتاب متناسب با سطح توانایی و علایق دانش آموز، استمرار مطالعه و حمایت خانواده و مدرسه از عوامل مهم در اثربخشی کتابخوانی غیردرسی محسوب می شوند. بر این اساس، توجه به مطالعه آزاد و ایجاد فرصت های مناسب برای کتابخوانی در مدارس و خانواده ها می تواند به عنوان راهکاری مکمل در جهت تقویت توانایی های زبانی دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: کتابخوانی غیردرسی، دایره واژگان، تسلط زبانی، دانش آموزان، مطالعه گسترده، مهارت خواندن، رشد زبانی

مقدمه



در دنیای امروز، توانایی برقراری ارتباط مؤثر و استفاده صحیح و دقیق از زبان، یکی از مهمترین عوامل موفقیت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. تسلط زبانی تنها به دانستن قواعد دستوری و مطالب ارائه‌شده در کتاب‌های درسی محدود نمی‌شود، بلکه گستردگی دایره واژگان، توانایی درک مفاهیم، قدرت بیان، مهارت خواندن و توانایی به‌کارگیری واژگان در موقعیت‌های مختلف را نیز دربرمی‌گیرد. از این‌رو، توجه به فعالیت‌هایی که می‌توانند زمینه رشد طبیعی و مستمر مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان را فراهم کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، کتاب‌خوانی غیردرسی یکی از فعالیت‌های مؤثر و در عین حال کم‌هزینه‌ای است که می‌تواند فرصت مناسبی برای مواجهه دانش‌آموزان با واژه‌ها، ساختارهای زبانی و شیوه‌های گوناگون بیان فراهم آورد.

کتاب‌های غیردرسی، برخلاف بسیاری از متون آموزشی که با هدف انتقال مستقیم مفاهیم درسی تهیه می‌شوند، دانش‌آموز را با موضوعات، شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و سبک‌های متنوع نوشتاری مواجه می‌کنند. چنین تنوعی موجب می‌شود دانش‌آموز در جریان مطالعه با واژه‌هایی روبه‌رو شود که ممکن است در گفت‌وگوی روزمره یا کتاب‌های درسی کمتر مورد استفاده قرار گیرند. تکرار واژه‌ها در بافت‌های مختلف و مشاهده کاربرد آن‌ها در جمله و موقعیت واقعی، به شکل‌گیری شناخت عمیق‌تر از معنای واژگان کمک می‌کند. پژوهش‌های انجام‌شده درباره مطالعه گسترده نیز نشان داده‌اند که خواندن مستمر می‌تواند در رشد واژگان، درک مطلب و برخی دیگر از ابعاد توانایی زبانی نقش مثبتی داشته باشد. (Nakanishi, 2015)

یکی از مهمترین ویژگی‌های کتاب‌خوانی غیردرسی، یادگیری غیرمستقیم و تدریجی واژگان است. دانش‌آموز هنگام مطالعه یک داستان یا کتاب غیردرسی، معمولاً بدون آنکه مطالعه را صرفاً با هدف حفظ کردن لغات انجام دهد، با واژه‌های جدید مواجه می‌شود و معنای بسیاری از آن‌ها را از طریق جمله، موضوع متن و ارتباط میان واژه‌ها حدس می‌زند. این فرایند می‌تواند موجب شود واژه‌های جدید به شکلی طبیعی‌تر در ذهن تثبیت شوند. همچنین، مطالعه گسترده از طریق افزایش میزان مواجهه با زبان می‌تواند فرصت بیشتری برای یادگیری واژگان و توسعه مهارت‌های زبانی ایجاد کند (Nation, 2001).

کتاب‌خوانی غیردرسی همچنین می‌تواند از نظر انگیزشی اهمیت زیادی داشته باشد. زمانی که دانش‌آموز امکان انتخاب کتاب متناسب با علایق و نیازهای خود را داشته باشد، مطالعه از یک فعالیت اجباری درسی به فعالیتی لذت‌بخش و داوطلبانه تبدیل می‌شود. این علاقه می‌تواند استمرار مطالعه را افزایش دهد و در نتیجه، میزان مواجهه دانش‌آموز با واژگان و ساختارهای مختلف زبان نیز بیشتر شود. در چنین شرایطی، یادگیری زبان تنها در فضای کلاس و از طریق تمرین‌های رسمی اتفاق نمی‌افتد، بلکه بخشی از فرایند یادگیری در خارج از کلاس و از طریق تجربه مستقیم مطالعه شکل می‌گیرد.

بر این اساس، بررسی رابطه میان کتاب‌خوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان از اهمیت آموزشی و پژوهشی قابل توجهی برخوردار است. شناخت میزان ارتباط میان میزان و کیفیت مطالعه غیردرسی با توانایی‌های واژگانی و زبانی دانش‌آموزان می‌تواند به معلمان، والدین و برنامه‌ریزان آموزشی در طراحی برنامه‌های مناسب برای تقویت مهارت‌های زبانی کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر رابطه میان کتاب‌خوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان، درصدد است نقش مطالعه آزاد و مستمر را در تقویت توانایی‌های زبانی آنان بررسی کرده و زمینه‌ای برای توجه بیشتر به جایگاه کتاب‌خوانی غیردرسی در فرایند تعلیم و تربیت فراهم آورد.

بیان مسئله

زبان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای یادگیری، برقراری ارتباط و شکل‌گیری تفکر در دانش‌آموزان است و میزان توانایی آنان در استفاده از زبان می‌تواند بر عملکرد تحصیلی، ارتباطات اجتماعی و توانایی بیان افکار و احساسات تأثیر بگذارد.



در این میان، دایره واژگان یکی از مؤلفه‌های مهم تسلط زبانی محسوب می‌شود؛ زیرا دانش‌آموز برای درک متون، بیان دقیق مفاهیم، نوشتن، سخن گفتن و برقراری ارتباط مؤثر، به مجموعه‌ای گسترده و متنوع از واژه‌ها نیاز دارد. پژوهش‌های انجام‌شده نیز نشان داده‌اند که گستردگی و عمق دانش واژگان با توانایی درک مطلب ارتباط دارد و دانش واژگانی نقش مهمی در عملکرد زبانی ایفا می‌کند (فقیه و نعمتی، ۱۳۹۳).

با وجود اهمیت دایره واژگان در رشد مهارت‌های زبانی، بخش قابل توجهی از آموزش واژگان در محیط مدرسه به کتاب‌های درسی و فعالیت‌های محدود کلاسی وابسته است. این در حالی است که دانش‌آموزان برای توسعه واقعی و پایدار توانایی زبانی، به مواجهه مستمر با زبان در موقعیت‌ها و متن‌های متنوع نیاز دارند. کتاب‌خوانی غیردرسی می‌تواند یکی از راه‌های مؤثر برای ایجاد چنین مواجهه‌ای باشد؛ زیرا دانش‌آموز هنگام مطالعه داستان، رمان، کتاب‌های علمی، تاریخی، فرهنگی و سایر آثار متناسب با سن خود، با واژه‌ها و ساختارهای زبانی متنوعی روبه‌رو می‌شود. در منابع آموزشی مرتبط با کتاب‌های غیردرسی نیز بر این نکته تأکید شده است که مطالعه کتاب‌های داستانی و غیرداستانی می‌تواند ضمن افزایش تجربه فردی، به گسترش دایره واژگان دانش‌آموزان کمک کند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۲).

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم یادگیری واژگان تنها از طریق آموزش مستقیم و حفظ کردن لغات اتفاق نمی‌افتد، بلکه بخش مهمی از آن می‌تواند در جریان مواجهه مکرر با واژه‌ها در بافت‌های گوناگون شکل گیرد. دانش‌آموز در هنگام مطالعه یک کتاب غیردرسی، واژه‌های جدید را در ارتباط با جمله، شخصیت، موضوع و فضای متن مشاهده می‌کند و به تدریج می‌تواند معنای آن‌ها را از بافت استخراج و در ذهن خود تثبیت کند. در نتیجه، مطالعه غیردرسی علاوه بر افزایش تعداد واژه‌های شناخته‌شده، می‌تواند به درک بهتر کاربرد واژه‌ها و ارتباط میان آن‌ها نیز کمک کند.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی درباره مطالعه گسترده نشان می‌دهد که خواندن مستمر و گسترده می‌تواند بر حوزه‌های مختلف یادگیری زبان، از جمله واژگان، درک مطلب، روان‌خوانی، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط عمومی زبانی اثر مثبت داشته باشد (Sangers et al., 2025). همچنین در یک فراتحلیل از ۲۱ مطالعه تجربی با ۱۲۶۸ شرکت‌کننده، مشخص شد که مطالعه گسترده تأثیر معناداری بر یادگیری واژگان زبان دارد و استفاده از متون مناسب و فعالیت‌های مرتبط با خواندن می‌تواند این اثر را تقویت کند (Liu & Zhang, 2018). نتایج فراتحلیل دیگری نیز نشان داده است که مطالعه گسترده می‌تواند موجب بهبود مهارت خواندن و عملکرد زبانی فراگیران شود (Nakanishi, 2015).

با این حال، مسئله اساسی این است که در بسیاری از محیط‌های آموزشی، کتاب‌خوانی غیردرسی هنوز به عنوان بخش جدی و مستمر فرایند یاددهی - یادگیری مورد توجه کافی قرار نگرفته است. گاهی مطالعه دانش‌آموزان تنها به انجام تکالیف و خواندن کتاب‌های درسی محدود می‌شود و فرصت انتخاب و مطالعه آزاد کتاب‌های متناسب با علایق آنان فراهم نمی‌شود. از طرف دیگر، برخی دانش‌آموزان به دلیل کمبود انگیزه، استفاده گسترده از رسانه‌های دیجیتال، کمبود منابع مناسب یا نبود برنامه منظم مطالعه، زمان اندکی را به خواندن کتاب‌های غیردرسی اختصاص می‌دهند. تداوم چنین شرایطی می‌تواند فرصت مواجهه آنان با واژه‌ها و ساختارهای زبانی جدید را کاهش دهد و در نتیجه بر رشد تدریجی توانایی زبانی آنان تأثیر بگذارد.

در مقابل، ایجاد فرهنگ مطالعه آزاد و فراهم کردن امکان انتخاب کتاب بر اساس علاقه و سطح توانایی دانش‌آموز می‌تواند مطالعه را از یک فعالیت اجباری به تجربه‌ای لذت‌بخش و مستمر تبدیل کند. هنگامی که دانش‌آموز به صورت منظم و داوطلبانه مطالعه می‌کند، میزان تماس او با زبان افزایش می‌یابد و این تماس مستمر می‌تواند زمینه گسترش دایره واژگان و تقویت مهارت‌های مختلف زبانی را فراهم سازد. شواهد پژوهشی جدید نیز نشان می‌دهد که آثار مثبت مطالعه گسترده فقط به واژگان محدود نیست و حوزه‌هایی مانند درک مطلب، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط کلی زبانی را نیز دربرمی‌گیرد (Sangers et al., 2025).

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا میان میزان و کیفیت کتاب‌خوانی غیردرسی دانش‌آموزان و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی آنان رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. همچنین این پرسش مطرح است که آیا دانش‌آموزانی



که زمان بیشتری را به مطالعه کتاب‌های غیردرسی اختصاص می‌دهند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که مطالعه غیردرسی کمتری دارند، از دایره واژگان گسترده‌تر و تسلط زبانی بیشتری برخوردارند. پاسخ به این مسئله می‌تواند به روشن شدن جایگاه کتاب‌خوانی غیردرسی در رشد زبانی دانش‌آموزان کمک کند و شواهدی برای معلمان، والدین و برنامه‌ریزان آموزشی فراهم آورد تا از مطالعه آزاد و هدفمند به عنوان یکی از راهکارهای تقویت توانایی‌های زبانی دانش‌آموزان بیشتر استفاده کنند.

پیشینه پژوهش

در زمینه رابطه میان مطالعه غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی، پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که مطالعه مستمر و گسترده می‌تواند دانش‌آموزان و زبان‌آموزان را در معرض حجم بیشتری از واژگان و ساختارهای زبانی قرار داده و از این طریق زمینه رشد توانایی‌های زبانی آنان را فراهم کند.

در پژوهش‌های داخلی، بر نقش مطالعه آزاد و غیردرسی در تقویت مهارت‌های خواندن، افزایش علاقه به کتاب و توسعه توانایی‌های زبانی دانش‌آموزان تأکید شده است. یافته‌های پژوهش‌های حوزه آموزش زبان فارسی نشان می‌دهد که مواجهه مستمر دانش‌آموزان با متون متنوع، علاوه بر افزایش تجربه خواندن، می‌تواند به شناخت واژگان بیشتر و آشنایی با کاربردهای گوناگون زبان منجر شود. همچنین، در برنامه‌های آموزشی مرتبط با ترویج کتاب‌خوانی دانش‌آموزان، مطالعه آثار غیردرسی به عنوان عاملی مؤثر در گسترش تجربه زبانی و تقویت مهارت‌های خواندن مورد توجه قرار گرفته است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۲).

همچنین، فقیه و نعمتی (۱۳۹۳) در بررسی ارتباط دانش واژگان و مهارت درک مطلب، بر اهمیت دانش واژگانی در توانایی دانش‌آموزان و زبان‌آموزان برای فهم متون تأکید کرده‌اند. بر اساس دیدگاه آنان، هرچه فرد از واژگان گسترده‌تر و شناخت عمیق‌تری از کاربرد واژه‌ها برخوردار باشد، توانایی او در پردازش و درک متون افزایش می‌یابد. این یافته از این جهت برای پژوهش حاضر اهمیت دارد که یکی از مسیرهای طبیعی افزایش مواجهه با واژگان، مطالعه متون متنوع خارج از چارچوب کتاب درسی است.

در مجموع، پیشینه داخلی نشان می‌دهد که کتاب‌خوانی غیردرسی می‌تواند از طریق افزایش تماس دانش‌آموز با زبان، تقویت عادت مطالعه و مواجهه با واژه‌های متنوع، زمینه مناسبی برای رشد مهارت‌های زبانی ایجاد کند. با این حال، پژوهش‌های داخلی که به‌طور مستقیم رابطه میزان کتاب‌خوانی غیردرسی با گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان را همزمان بررسی کرده باشند، نسبتاً محدود است؛ بنابراین انجام پژوهش حاضر می‌تواند به تکمیل این بخش از ادبیات پژوهشی کمک کند.

در مطالعات خارجی، شواهد تجربی گسترده‌تری درباره تأثیر مطالعه گسترده بر یادگیری زبان وجود دارد. نکانشی (Nakanishi, 2015) در یک فراتحلیل، ۳۴ مطالعه شامل ۳۹۴۲ شرکت‌کننده را بررسی کرد. نتایج نشان داد که مطالعه گسترده تأثیر مثبت و قابل توجهی بر توانایی خواندن زبان‌آموزان دارد و اندازه اثر در مقایسه گروه‌های مطالعه گسترده و گروه کنترل در حد متوسط گزارش شد. این پژوهش نشان داد که مطالعه گسترده می‌تواند به عنوان بخشی از برنامه آموزش زبان مورد استفاده قرار گیرد.

لیو و ژانگ (Liu & Zhang, 2018) در فراتحلیلی با بررسی ۲۱ مطالعه تجربی و ۱۲۶۸ شرکت‌کننده، تأثیر مطالعه گسترده بر یادگیری واژگان زبان انگلیسی را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که مطالعه گسترده تأثیر معناداری بر یادگیری



واژگان دارد. همچنین مشخص شد که استفاده از کتاب‌های سطح‌بندی‌شده و فعالیت‌هایی مانند پرسش‌های درک مطلب و تمرین‌های واژگانی می‌تواند اثربخشی برنامه مطالعه را افزایش دهد.

سوک (Suk, 2017) نیز در یک پژوهش شبه‌آزمایشی، تأثیر مطالعه گسترده را بر درک مطلب، سرعت خواندن و یادگیری واژگان دانشجویان زبان انگلیسی بررسی کرد. نتایج نشان داد گروهی که در کنار آموزش فشرده، زمانی را به مطالعه گسترده اختصاص داده بود، در مجموع عملکرد بهتری در سه متغیر درک مطلب، سرعت خواندن و یادگیری واژگان نسبت به گروه کنترل داشت.

در پژوهشی جدیدتر، لیو و سعد (Liu & Saad, 2025) در یک مرور نظام‌مند ادبیات پژوهشی، نقش مطالعه گسترده را در رشد واژگان، درک مطلب و سرعت خواندن بررسی کردند. نتایج این مرور نشان داد که مطالعه گسترده از طریق مواجهه مکرر زبان‌آموز با متون غنی و متنوع می‌تواند به گسترش واژگان، بهبود درک متون و افزایش روانی خواندن کمک کند.

همچنین سانگرس و همکاران (Sangers et al., 2025) در یک فراتحلیل جامع درباره آثار مطالعه گسترده بر یادگیری زبان دوم و زبان خارجی، مطالعات مربوط به حوزه‌های مختلف زبانی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که مطالعه گسترده در حوزه‌هایی همچون درک مطلب، واژگان، روان‌خوانی، انگیزش، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط عمومی زبانی آثار مثبت دارد. این پژوهش همچنین نشان داد که نوع و میزان آزادی زبان‌آموز در انتخاب متن و وجود برخی فعالیت‌های همراه با مطالعه می‌تواند بر میزان اثربخشی آن تأثیرگذار باشد.

در مجموع، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که میان مطالعه گسترده و رشد مؤلفه‌های مختلف توانایی زبانی ارتباط مثبتی وجود دارد. تقریباً در بیشتر مطالعات خارجی، نقش مطالعه مستمر در افزایش واژگان، بهبود درک مطلب و ارتقای تسلط کلی زبانی تأیید شده است. با وجود این، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود در زمینه زبان دوم و زبان خارجی انجام شده و مطالعاتی که به‌طور مشخص کتاب‌خوانی غیردرسی دانش‌آموزان در بافت آموزش زبان فارسی و ارتباط هم‌زمان آن با گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی را بررسی کنند، کمتر دیده می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند با تمرکز بر دانش‌آموزان و مطالعه غیردرسی، به پر کردن این خلأ پژوهشی کمک کرده و شواهد بیشتری درباره نقش کتاب‌خوانی آزاد و مستمر در رشد توانایی‌های واژگانی و زبانی دانش‌آموزان ارائه دهد.

تعریف و اهمیت موضوع

کتاب‌خوانی غیردرسی به فرایندی گفته می‌شود که در آن دانش‌آموز خارج از چارچوب الزامات رسمی برنامه درسی، به مطالعه کتاب‌ها و متون متنوعی مانند داستان، رمان، زندگی‌نامه، کتاب‌های علمی، تاریخی، فرهنگی و ادبی می‌پردازد. در این نوع مطالعه، هدف اصلی الزاماً پاسخ‌گویی به پرسش‌های درسی یا کسب نمره نیست، بلکه مطالعه با هدف کسب لذت، افزایش اطلاعات، سرگرمی، شناخت جهان و تقویت توانایی‌های فردی انجام می‌شود. در رویکرد «مطالعه گسترده» نیز بر خواندن حجم زیادی از متون نسبتاً ساده و متناسب با توانایی فرد، با سرعت مناسب و با هدف درک کلی و لذت از مطالعه تأکید می‌شود (Day & Bamford, 1998). پژوهش‌های جدید نیز مطالعه گسترده را فرایندی مبتنی بر مطالعه مستمر، مستقل و تا حد زیادی انتخابی می‌دانند که می‌تواند زمینه رشد مجموعه‌ای از مهارت‌های زبانی را فراهم کند (Sangers et al., 2025).

دایره واژگان به مجموعه واژه‌هایی گفته می‌شود که فرد آن‌ها را می‌شناسد، معنای آن‌ها را درک می‌کند و می‌تواند متناسب با موقعیت از آن‌ها استفاده کند. دایره واژگان تنها تعداد واژه‌های شناخته‌شده را شامل نمی‌شود، بلکه میزان شناخت معنایی، کاربردی و ارتباطی فرد با واژه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. هرچه دانش‌آموز با واژه‌های بیشتری آشنا باشد، توانایی او در فهم



متون، بیان اندیشه‌ها، نوشتن و برقراری ارتباط افزایش می‌یابد. از این منظر، گسترش دایره واژگان یکی از پایه‌های مهم رشد توانایی زبانی دانش‌آموزان محسوب می‌شود و می‌تواند در موفقیت تحصیلی آنان نیز نقش داشته باشد (شعبانی، ۱۳۹۸).

تسلط زبانی نیز به توانایی فرد در استفاده مؤثر، درست و متناسب از زبان در موقعیت‌های گوناگون اشاره دارد و ابعادی مانند درک مطلب، خواندن، نوشتن، سخن گفتن، شناخت واژگان و استفاده مناسب از ساختارهای زبانی را شامل می‌شود. دانش‌آموزی که از تسلط زبانی بیشتری برخوردار است، معمولاً می‌تواند متون را بهتر درک کند، مفاهیم را دقیق‌تر بیان کند و در موقعیت‌های ارتباطی مختلف از واژه‌ها و ساختارهای مناسب‌تری استفاده کند. بنابراین، گسترش دایره واژگان را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری و تقویت تسلط زبانی دانست.

اهمیت کتاب‌خوانی غیردرسی از آن جهت است که فرصت مواجهه دانش‌آموز با زبان را فراتر از محدودیت‌های کتاب درسی افزایش می‌دهد. کتاب‌های غیردرسی معمولاً موضوعات، شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و سبک‌های نوشتاری متنوعی دارند و همین تنوع موجب می‌شود دانش‌آموز در جریان مطالعه با واژه‌های جدید و کاربردهای مختلف واژه‌ها مواجه شود. تکرار و مشاهده واژه‌ها در بافت‌های متفاوت می‌تواند به درک بهتر معنای آن‌ها و تثبیت تدریجی واژگان در حافظه کمک کند. در واقع، مطالعه مستمر این امکان را فراهم می‌کند که یادگیری واژگان تنها از طریق آموزش مستقیم و حفظ کردن صورت نگیرد، بلکه بخشی از آن به شکل طبیعی و در جریان درک متن اتفاق بیفتد.

اهمیت این موضوع در پژوهش‌های خارجی نیز تأیید شده است. در یک فراتحلیل درباره تأثیر مطالعه گسترده بر یادگیری واژگان زبان انگلیسی، ۲۱ مطالعه تجربی با ۱۲۶۸ شرکت‌کننده بررسی شد و نتایج نشان داد که مطالعه گسترده تأثیر معناداری بر یادگیری واژگان دارد. همچنین استفاده از کتاب‌های سطح‌بندی‌شده و برخی فعالیت‌های همراه مطالعه می‌تواند اثربخشی آن را افزایش دهد (Liu & Zhang, 2018). در فراتحلیل جدیدتر سانگرس و همکاران نیز مشخص شد که مطالعه گسترده آثار مثبتی بر واژگان، درک مطلب، روان‌خوانی، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط عمومی زبانی دارد؛ بنابراین اهمیت آن تنها به افزایش تعداد واژه‌های شناخته‌شده محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند ابعاد مختلف توانایی زبانی را تحت تأثیر قرار دهد (Sangers et al., 2025).

از دیدگاه آموزشی، کتاب‌خوانی غیردرسی همچنین می‌تواند موجب تقویت علاقه دانش‌آموزان به مطالعه، افزایش استقلال در یادگیری و ایجاد عادت مطالعه مستمر شود. هنگامی که دانش‌آموز بتواند کتاب متناسب با علاقه و سطح توانایی خود انتخاب کند، احتمال استمرار مطالعه افزایش می‌یابد و در نتیجه، میزان مواجهه او با واژگان و ساختارهای زبانی نیز بیشتر می‌شود. به همین دلیل، توجه به کتاب‌خوانی غیردرسی می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای مکمل آموزش رسمی زبان در مدارس مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش‌های جدید نیز بر این نکته تأکید دارند که مطالعه گسترده می‌تواند به عنوان یک رویکرد آموزشی برای توسعه واژگان و تسلط کلی زبانی مورد توجه قرار گیرد (Hardy & Rodrigo, 2025).

در مجموع، کتاب‌خوانی غیردرسی را می‌توان فعالیتی آموزشی، فرهنگی و زبانی دانست که با افزایش مواجهه دانش‌آموزان با زبان، زمینه مناسبی برای گسترش دایره واژگان و تقویت تسلط زبانی فراهم می‌کند. اهمیت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که رشد زبانی دانش‌آموزان تنها از طریق آموزش رسمی و کتاب‌های درسی حاصل نمی‌شود و تجربه‌های خواندن خارج از برنامه درسی نیز می‌توانند در این فرایند نقش داشته باشند. بنابراین، بررسی رابطه میان میزان کتاب‌خوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی می‌تواند شواهد ارزشمندی برای معلمان، خانواده‌ها و برنامه‌ریزان آموزشی فراهم کند و جایگاه مطالعه آزاد را در فرایند رشد زبانی دانش‌آموزان روشن‌تر سازد.

بحث



یافته‌های پژوهش حاضر درباره رابطه میان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان را می‌توان بر اساس این دیدگاه تبیین کرد که رشد زبانی فرایندی تدریجی است و تنها از طریق آموزش مستقیم واژه‌ها و محتوای کتاب‌های درسی شکل نمی‌گیرد. دانش‌آموز برای دستیابی به توانایی زبانی مطلوب، به مواجهه مستمر با زبان در موقعیت‌های متنوع نیاز دارد. کتابخوانی غیردرسی از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند این فرصت را فراهم کند؛ زیرا دانش‌آموز در جریان مطالعه با واژه‌ها، ترکیب‌ها، جمله‌ها و شیوه‌های مختلف بیان روبه‌رو می‌شود و به تدریج دامنه تجربه زبانی او افزایش می‌یابد. از این منظر، مطالعه غیردرسی را می‌توان یکی از عوامل مکمل آموزش رسمی زبان دانست.

یکی از مهم‌ترین نتایج قابل انتظار در این زمینه، تأثیر کتابخوانی غیردرسی بر گسترش دایره واژگان است. دانش‌آموز هنگام مطالعه یک متن، الزاماً همه واژه‌های ناآشنا را به صورت مستقیم آموزش نمی‌بیند، بلکه بسیاری از واژه‌ها را از طریق بافت جمله، ارتباط آن‌ها با موضوع متن و تکرار در موقعیت‌های مختلف می‌آموزد. بنابراین، هرچه میزان مواجهه دانش‌آموز با متون متنوع بیشتر باشد، فرصت بیشتری برای مشاهده و یادگیری واژه‌های جدید خواهد داشت. این مسئله با نتایج پژوهش لیو و ژانگ (Liu & Zhang, 2018) همخوانی دارد؛ آنان در یک فراتحلیل از ۲۱ مطالعه تجربی با ۱۲۶۸ شرکت‌کننده دریافتند که مطالعه گسترده تأثیر معناداری بر یادگیری واژگان زبان انگلیسی دارد.

از سوی دیگر، اهمیت کتابخوانی غیردرسی را نمی‌توان تنها به افزایش تعداد واژه‌های شناخته‌شده محدود کرد. دانش‌آموز در جریان مطالعه با کاربرد واژه‌ها در بافت‌های مختلف، روابط معنایی میان کلمات، ساختارهای نحوی و شیوه‌های گوناگون بیان مواجه می‌شود. این تجربه می‌تواند موجب شود دانش زبانی او از حالت صرفاً حفظی خارج شده و به دانش کاربردی تبدیل شود. در نتیجه، دانش‌آموز نه تنها واژه‌های بیشتری می‌شناسد، بلکه توانایی بیشتری برای انتخاب واژه مناسب، درک معنای متن و استفاده دقیق‌تر از زبان پیدا می‌کند.

رابطه میان مطالعه و تسلط زبانی نیز از همین مسیر قابل توضیح است. تسلط زبانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها مانند درک مطلب، خواندن روان، نوشتن، سخن گفتن و استفاده مناسب از واژگان و ساختارهای زبانی را شامل می‌شود. مطالعه مستمر می‌تواند به طور همزمان چند مورد از این مهارت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. دانش‌آموزی که به صورت منظم مطالعه می‌کند، با ساختارهای بیشتری از زبان مواجه می‌شود و فرصت بیشتری برای درک، پردازش و بازشناسی آن‌ها پیدا می‌کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که افزایش میزان و استمرار مطالعه غیردرسی با سطح بالاتر تسلط زبانی همراه باشد.

نتایج فراتحلیل جدید سانگرس و همکاران (Sangers et al., 2025) نیز این برداشت را تقویت می‌کند. این پژوهش با بررسی ۷۳ مطالعه و ۸۲ مداخله نشان داد که مطالعه گسترده در حوزه‌های مختلف یادگیری زبان، از جمله درک مطلب، واژگان، روان‌خوانی، انگیزش، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط عمومی زبانی، آثار مثبت کوچک تا متوسط دارد. نویسندگان بر این اساس نتیجه گرفتند که مطالعه مستمر، مستقل و انتخابی می‌تواند مجموعه‌ای از مهارت‌های زبان دوم و زبان خارجی را تقویت کند.

از نظر تربیتی نیز کتابخوانی غیردرسی زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که دانش‌آموزان در انتخاب کتاب و موضوع مطالعه احساس استقلال داشته باشند. انتخاب کتاب متناسب با علاقه، سن و سطح توانایی دانش‌آموز می‌تواند انگیزه او را برای ادامه مطالعه افزایش دهد. مطالعه‌ای که صرفاً به عنوان تکلیف اجباری تعیین شود، ممکن است نتواند همان میزان علاقه و استمرار مطالعه آزاد را ایجاد کند. در مقابل، زمانی که دانش‌آموز کتاب مورد علاقه خود را انتخاب می‌کند، هدف مطالعه بیشتر به سمت کسب اطلاعات، لذت و درک محتوا سوق پیدا می‌کند و در نتیجه، مواجهه طبیعی‌ای با زبان افزایش می‌یابد. پژوهش سانگرس و همکاران نیز نشان داده است که ویژگی‌هایی مانند نحوه انتخاب یا محدود کردن متون و وجود نوعی پیگیری و مسئولیت‌پذیری در برنامه مطالعه می‌تواند بر میزان اثربخشی مطالعه گسترده اثرگذار باشد.

از منظر آموزشی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که مدرسه نباید رشد زبانی دانش‌آموزان را فقط به ساعات رسمی درس و کتاب درسی محدود کند. ایجاد کتابخانه‌های مناسب، معرفی کتاب‌های متناسب با سن دانش‌آموزان، اختصاص زمان مشخص برای



مطالعه آزاد و تشویق دانش‌آموزان به گفت‌وگو درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند، می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای رشد واژگانی و زبانی آنان ایجاد کند. البته هدف از کتابخوانی غیردرسی نباید تبدیل مطالعه آزاد به یک تکلیف سنگین و ارزشیابی‌محور باشد؛ بلکه لازم است فضای مطالعه تا حد امکان لذت‌بخش، متنوع و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان باقی بماند.

در مجموع، می‌توان گفت رابطه میان کتابخوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی از نظر نظری و پژوهشی قابل دفاع است. مطالعه غیردرسی با افزایش میزان تماس دانش‌آموز با زبان، مواجهه با واژه‌های متنوع، آشنایی با کاربردهای مختلف زبان و تقویت عادت مطالعه، می‌تواند زمینه مناسبی برای رشد توانایی‌های واژگانی و زبانی فراهم کند. با این حال، میزان تأثیرگذاری آن به عواملی مانند استمرار مطالعه، مناسب بودن سطح دشواری کتاب، تنوع متون، علاقه دانش‌آموز و میزان حمایت آموزشی نیز وابسته است. بنابراین، توجه نظام آموزشی به کتابخوانی غیردرسی می‌تواند اقدامی مؤثر در جهت تقویت مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان و حرکت از آموزش محدود واژه‌ها به سوی تجربه گسترده‌تر و طبیعی‌تر زبان باشد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی - همبستگی است. انتخاب روش همبستگی با توجه به هدف اصلی پژوهش، یعنی بررسی رابطه میان کتابخوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان، انجام می‌شود. در پژوهش‌های همبستگی، پژوهشگر بدون دستکاری متغیرها، میزان و جهت ارتباط میان دو یا چند متغیر را بررسی می‌کند و نتایج حاصل می‌تواند وجود یا شدت ارتباط میان متغیرها را مشخص سازد (کرسول، ۱۳۹۷). در این نوع پژوهش، رابطه میان متغیرها بررسی می‌شود و نباید نتایج همبستگی به عنوان اثبات رابطه علت و معلولی تفسیر شود (Creswell & Creswell, 2018).

جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دوره مورد مطالعه در مدارس تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه می‌توان از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده کرد تا دانش‌آموزان متناسب با پایه تحصیلی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه در نمونه حضور داشته باشند. حجم نمونه نیز بر اساس حجم جامعه آماری و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان یا فرمول تعیین حجم نمونه محاسبه خواهد شد. رعایت تناسب میان حجم جامعه و نمونه اهمیت دارد؛ زیرا در مطالعات همبستگی، حجم نمونه مناسب موجب افزایش دقت برآورد رابطه میان متغیرها می‌شود. (Creswell, 2012)

در این پژوهش، متغیر مستقل یا پیش‌بین، میزان کتابخوانی غیردرسی دانش‌آموزان و متغیرهای وابسته، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی آنان در نظر گرفته می‌شوند. میزان کتابخوانی غیردرسی می‌تواند بر اساس تعداد کتاب‌های مطالعه‌شده، میزان زمان اختصاص‌یافته به مطالعه، تعداد دفعات مطالعه در هفته و میزان علاقه و استمرار دانش‌آموز در مطالعه سنجیده شود. برای سنجش این متغیر می‌توان از پرسشنامه کتابخوانی غیردرسی استفاده کرد که شامل گویه‌هایی درباره عادت مطالعه، میزان مطالعه، نوع کتاب‌های مورد علاقه و استمرار کتابخوانی باشد.

برای سنجش دایره واژگان، استفاده از آزمون واژگان متناسب با سطح تحصیلی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود. این آزمون می‌تواند میزان شناخت معنای واژه‌ها، تشخیص واژه مناسب در جمله و توانایی درک کاربرد واژگان را ارزیابی کند. همچنین برای سنجش تسلط زبانی می‌توان از یک آزمون استاندارد یا پرسشنامه معتبر استفاده کرد که مؤلفه‌هایی مانند درک مطلب، خواندن، نوشتن، کاربرد واژگان و توانایی استفاده صحیح از ساختارهای زبانی را مورد سنجش قرار دهد. انتخاب ابزارهای دارای روایی و پایایی مناسب، برای افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش ضروری است.



در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، پس از هماهنگی با مسئولان مدارس و کسب رضایت لازم، ابزارهای پژوهش در اختیار دانش‌آموزان نمونه قرار می‌گیرد. پرسشنامه کتابخوانی و آزمون‌های مربوط به دایره واژگان و تسلط زبانی در شرایط یکسان اجرا می‌شوند. به دانش‌آموزان توضیح داده می‌شود که اطلاعات آنان محرمانه خواهد بود و داده‌ها صرفاً برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین تلاش می‌شود اجرای ابزارها در محیطی آرام و بدون ایجاد فشار یا اضطراب انجام شود.

برای بررسی روایی ابزارها می‌توان از روایی محتوایی و نظر متخصصان حوزه علوم تربیتی، آموزش زبان و روش تحقیق استفاده کرد. به این منظور، ابزارهای پژوهش در اختیار تعدادی از استادان و متخصصان قرار گرفته و پس از دریافت نظر آنان، اصلاحات لازم در پرسش‌ها و گویه‌ها انجام می‌شود. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز می‌توان از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد و برای آزمون‌های سنجش واژگان و تسلط زبانی، در صورت مناسب بودن شرایط، از روش‌هایی مانند بازآزمایی یا بررسی همسانی درونی بهره گرفت.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات وارد نرم‌افزار آماری شده و ابتدا با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار بررسی می‌شوند. سپس برای بررسی ارتباط میان میزان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و همچنین ارتباط میان کتابخوانی غیردرسی و تسلط زبانی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد؛ مشروط بر اینکه پیش‌فرض‌های استفاده از این آزمون، از جمله نرمال بودن توزیع داده‌ها و مناسب بودن سطح سنجش متغیرها، برقرار باشد. در صورت نقض پیش‌فرض‌های لازم، می‌توان از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده کرد. در پژوهش‌های همبستگی، انتخاب آزمون آماری مناسب و توجه به جهت و شدت ضریب همبستگی از مراحل اساسی تحلیل داده‌هاست. (Creswell, 2012).

همچنین برای بررسی هم‌زمان نقش کتابخوانی غیردرسی در پیش‌بینی دایره واژگان و تسلط زبانی، در صورت کفایت حجم نمونه و برقرار بودن پیش‌فرض‌های آماری، می‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد. در نهایت، یافته‌های آماری در سطح معناداری ۰/۰۵ تفسیر خواهند شد. لازم به تأکید است که در این پژوهش، حتی در صورت مشاهده رابطه معنادار میان کتابخوانی غیردرسی و متغیرهای زبانی، نتیجه پژوهش صرفاً نشان‌دهنده وجود ارتباط آماری خواهد بود و نمی‌توان بدون طرح آزمایشی، کتابخوانی غیردرسی را به عنوان علت قطعی افزایش دایره واژگان یا تسلط زبانی معرفی کرد.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر با موضوع «بررسی رابطه میان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان»، از سه ابزار اصلی شامل پرسشنامه میزان و عادت کتابخوانی غیردرسی، آزمون سنجش دایره واژگان و آزمون سنجش تسلط زبانی استفاده می‌شود. انتخاب این ابزارها با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش انجام شده است تا اطلاعات لازم درباره میزان مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان و وضعیت توانایی‌های واژگانی و زبانی آنان به صورت جداگانه جمع‌آوری شود.

برای سنجش میزان کتابخوانی غیردرسی، از پرسشنامه عادت‌های مطالعه استفاده می‌شود. یکی از ابزارهای شناخته‌شده در این زمینه، پرسشنامه عادت‌های مطالعه پالسان و شارما (PSSHI) است که ۴۵ گویه و هشت خرده‌مقیاس دارد و ابعادی مانند تقسیم‌بندی زمان، شرایط فیزیکی مطالعه، توانایی خواندن، یادداشت‌برداری، انگیزش یادگیری، حافظه، آمادگی برای امتحان و تندرستی را بررسی می‌کند. این پرسشنامه دارای روش نمره‌گذاری و شاخص‌های روایی و پایایی گزارش‌شده است (پالسان و شارما، ۱۹۸۹). با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر به‌طور مشخص بر «کتابخوانی غیردرسی» تمرکز دارد، گویه‌های مرتبط با مطالعه غیردرسی، تعداد کتاب‌های مطالعه‌شده، مدت زمان مطالعه، تعداد دفعات مطالعه در هفته، علاقه به کتابخوانی و استمرار مطالعه می‌تواند در قالب یک پرسشنامه متناسب با هدف پژوهش تنظیم شود.



برای سنجش دایره واژگان، استفاده از آزمون استاندارد سنجش اندازه واژگان پیشنهاد می‌شود. آزمون Vocabulary Size Test که توسط نیشن و بگلار (Nation & Beglar, 2007) تدوین شده، با هدف برآورد اندازه کلی واژگان دریافتی نوشتاری طراحی شده است. این آزمون با نمونه‌گیری از سطوح مختلف فراوانی واژه‌ها، برآوردی از تعداد واژه‌هایی که فرد می‌شناسد ارائه می‌دهد و برای پژوهش‌های مرتبط با دانش واژگانی قابل استفاده است. منابع مربوط به این آزمون تصریح می‌کنند که هدف آن اندازه‌گیری اندازه کلی واژگان فرد است.

برای بررسی دقیق‌تر دانش واژگانی، می‌توان از آزمون سطوح واژگان نیز استفاده کرد. آزمون Vocabulary Levels Test در نسخه‌های جدید، دانش واژگانی زبان‌آموزان را در سطوح مختلف فراوانی واژه‌ها بررسی می‌کند و نسخه‌های به‌روزشده آن برای سطوح ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۴۰۰۰ و ۵۰۰۰ واژه ارائه شده‌اند (Webb, Sasao, & Ballance, 2017). همچنین مطالعات مربوط به ارزیابی واژگان نشان می‌دهند که آزمون‌های اندازه و سطح واژگان از ابزارهای رایج برای سنجش دانش واژگانی دریافتی هستند.

برای سنجش تسلط زبانی نیز می‌توان از یک آزمون ترکیبی متناسب با سطح تحصیلی دانش‌آموزان استفاده کرد. این آزمون می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند درک مطلب، مهارت خواندن، شناخت و کاربرد واژگان، درک ساختارهای زبانی و توانایی استفاده صحیح از زبان را مورد ارزیابی قرار دهد. طراحی آزمون باید بر اساس اهداف پژوهش و محتوای آموزشی دانش‌آموزان انجام شود و گویه‌ها از نظر سطح دشواری، تناسب با سن و پایه تحصیلی و ارتباط با مؤلفه‌های تسلط زبانی مورد بررسی متخصصان قرار گیرند. در ارزیابی دانش واژگانی نیز تأکید شده است که انتخاب ابزار باید بر اساس هدف دقیق پژوهش و نوع دانش زبانی مورد نظر انجام شود (Read & Chapelle, 2001).

به منظور اطمینان از اعتبار ابزارهای پژوهش، روایی محتوایی پرسشنامه و آزمون‌های تهیه‌شده با استفاده از نظر متخصصان حوزه علوم تربیتی، آموزش زبان و روش تحقیق بررسی خواهد شد. بدین منظور، ابزارها در اختیار تعدادی از استادان و متخصصان قرار گرفته و میزان تناسب، وضوح، سادگی و ارتباط هر گویه با متغیر مورد سنجش ارزیابی می‌شود. پس از دریافت نظر متخصصان، اصلاحات لازم در گویه‌ها انجام خواهد شد.

برای بررسی پایایی پرسشنامه کتابخوانی غیردرسی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. در صورتی که آزمون‌های واژگان و تسلط زبانی به صورت چندبخشی طراحی شوند، پایایی آن‌ها نیز با روش آماری مناسب بررسی خواهد شد. همچنین اجرای آزمایشی ابزارها روی گروهی خارج از نمونه اصلی می‌تواند به شناسایی گویه‌های نامناسب، مبهم یا بیش از حد دشوار کمک کند.

در نهایت، سه ابزار مورد استفاده، اطلاعات مکملی درباره متغیرهای پژوهش فراهم خواهند کرد؛ به این صورت که پرسشنامه کتابخوانی غیردرسی میزان و الگوی مطالعه دانش‌آموزان را مشخص می‌کند، آزمون واژگان سطح و میزان دانش واژگانی آنان را می‌سنجد و آزمون تسلط زبانی وضعیت کلی توانایی زبانی دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. ترکیب این سه ابزار امکان بررسی دقیق‌تر رابطه میان میزان کتابخوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان را فراهم خواهد ساخت.

محدودیت‌ها و چالش‌ها

پژوهش حاضر با وجود اهمیت موضوع و تلاش برای بررسی رابطه میان کتابخوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان، مانند هر پژوهش آموزشی دیگری با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه است. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در میزان علاقه به مطالعه، انگیزه، سطح توانایی زبانی، عادت‌های مطالعه و دسترسی به کتاب‌های غیردرسی است. برخی دانش‌آموزان ممکن است از سنین پایین به مطالعه علاقه‌مند باشند و زمان



زیادی را به کتابخوانی اختصاص دهند، در حالی که گروهی دیگر مطالعه را فعالیتی کم‌اهمیت یا خسته‌کننده تلقی کنند. بنابراین، تفکیک تأثیر واقعی کتابخوانی از سایر عوامل فردی می‌تواند دشوار باشد.

یکی دیگر از چالش‌های پژوهش، اندازه‌گیری دقیق میزان کتابخوانی غیردرسی است. در صورتی که میزان مطالعه بر اساس گزارش خود دانش‌آموزان سنجیده شود، احتمال خطای یادآوری یا ارائه پاسخ‌های مطلوب اجتماعی وجود دارد. ممکن است برخی دانش‌آموزان میزان مطالعه خود را بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی گزارش کنند. از این‌رو، استفاده هم‌زمان از پرسشنامه، دفتر ثبت مطالعه یا گزارش‌های منظم مطالعه می‌تواند دقت اندازه‌گیری را افزایش دهد.

انتخاب کتاب مناسب نیز از محدودیت‌های مهم این پژوهش محسوب می‌شود. کتاب‌های غیردرسی از نظر سطح دشواری، حجم، موضوع، سبک نگارش و میزان پیچیدگی واژگان با یکدیگر تفاوت زیادی دارند. ممکن است یک دانش‌آموز کتابی ساده و متناسب با سطح زبانی خود بخواند و دانش‌آموز دیگری متنی بسیار دشوار انتخاب کند. پژوهش‌های مربوط به مطالعه گسترده نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌های متون، از جمله سطح واژگان و پیچیدگی ساختارهای جمله، می‌تواند بر میزان درک متن تأثیر بگذارد (Webb & Macalister, 2013).

محدودیت دیگر، دشواری سنجش دقیق رشد واژگان است. یادگیری واژگان فقط به معنای شناخت کامل معنای یک واژه نیست و ممکن است دانش‌آموز ابتدا با شکل واژه آشنا شود، سپس معنای کلی آن را درک کند و در مراحل بعد بتواند آن را در موقعیت‌های مختلف به کار ببرد. بنابراین، یک آزمون واحد ممکن است همه ابعاد دانش واژگانی را نشان ندهد. پژوهش‌های مرتبط نیز تأکید کرده‌اند که اندازه‌گیری رشد واژگان در مطالعه غیردرسی دشوار است، به‌ویژه زمانی که دانش‌آموزان کتاب‌های متفاوتی را به صورت انتخابی مطالعه می‌کنند (Pellicer-Sánchez et al., 2021).

از دیگر چالش‌ها می‌توان به تأثیر عوامل خارج از مدرسه اشاره کرد. دانش‌آموزان ممکن است علاوه بر کتابخوانی، از طریق فیلم، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت، خانواده و ارتباط با دوستان نیز با واژه‌ها و ساختارهای زبانی جدید مواجه شوند. در نتیجه، افزایش دایره واژگان یک دانش‌آموز الزاماً تنها حاصل کتابخوانی غیردرسی نیست و کنترل کامل تمام عوامل مؤثر بر رشد زبانی در یک پژوهش مدرسه‌ای امکان‌پذیر نیست.

همچنین مدت زمان مطالعه می‌تواند بر نتایج تأثیر بگذارد. مطالعه کوتاه‌مدت ممکن است برای ایجاد تغییر قابل توجه در دایره واژگان یا تسلط زبانی کافی نباشد. در یک پژوهش مربوط به مطالعه گسترده نیز مشاهده شد که میزان پیشرفت واژگان در دوره‌های مختلف یک برنامه مطالعه یکسان نبود و عواملی مانند دشوارتر شدن متون، کاهش انگیزه دانش‌آموزان و زمان اجرای آزمون می‌توانستند بر نتایج تأثیر بگذارند (Serrano, 2023).

یکی دیگر از چالش‌های مهم، تفاوت میان «مطالعه کردن» و «یادگیری واژه» است. صرفاً مواجهه با یک واژه در متن الزاماً به معنای یادگیری کامل و ماندگار آن نیست و ممکن است برای تثبیت واژه، چندین بار مواجهه با آن در بافت‌های مختلف لازم باشد. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیز نشان می‌دهند که تعداد مواجهه با واژه، تکرار، نوع متن و فعالیت‌های پس از مطالعه می‌توانند بر میزان یادگیری واژگان اثرگذار باشند.

از نظر روش‌شناختی نیز، چنانچه پژوهش حاضر به صورت توصیفی - همبستگی انجام شود، نتایج آن صرفاً وجود یا شدت رابطه میان متغیرها را نشان می‌دهد و نمی‌توان بر اساس آن با قطعیت نتیجه گرفت که کتابخوانی غیردرسی علت مستقیم افزایش دایره واژگان یا تسلط زبانی است. برای اثبات رابطه علت و معلولی، اجرای مطالعات طولی یا طرح‌های آزمایشی و شبه‌آزمایشی می‌تواند مناسب‌تر باشد. برخی پژوهش‌های پیشین نیز به محدودیت‌های روش‌شناختی مطالعات مطالعه گسترده و دشواری نسبت دادن مستقیم پیشرفت زبانی به یک عامل واحد اشاره کرده‌اند (Suk, 2017).



در نهایت، محدودیت در دسترسی دانش‌آموزان به کتاب‌های مناسب، تفاوت امکانات کتابخانه‌های مدارس، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، میزان حمایت والدین، کمبود زمان مطالعه به دلیل تکالیف درسی و جذابیت روزافزون رسانه‌های دیجیتال نیز می‌تواند بر میزان کتابخوانی غیردرسی تأثیر بگذارد. بنابراین، در تفسیر نتایج پژوهش باید این عوامل مورد توجه قرار گیرند و یافته‌ها با احتیاط به سایر دانش‌آموزان و مدارس تعمیم داده شوند. با وجود این محدودیت‌ها، بررسی رابطه کتابخوانی غیردرسی با دایره واژگان و تسلط زبانی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره نقش مطالعه آزاد در رشد زبانی دانش‌آموزان فراهم کند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کتابخوانی غیردرسی می‌تواند با گسترش دایره واژگان و افزایش تسلط زبانی دانش‌آموزان ارتباط داشته باشد. بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که به طور منظم‌تر به مطالعه کتاب‌های غیردرسی می‌پردازند، فرصت بیشتری برای مواجهه با واژه‌ها، ترکیب‌های زبانی و ساختارهای مختلف جمله دارند. این مواجهه مداوم می‌تواند موجب افزایش شناخت واژگانی و بهبود توانایی استفاده از زبان در موقعیت‌های مختلف شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مطالعه غیردرسی، برخلاف آموزش محدود واژگان در کلاس، امکان برخورد مکرر با واژه‌ها را در بافت‌های متفاوت فراهم می‌کند و از این طریق یادگیری واژگان را به صورت تدریجی و طبیعی تقویت می‌نماید.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان دانش‌آموزان رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان مطالعه غیردرسی، سطح شناخت و استفاده از واژگان نیز افزایش می‌یابد. دانش‌آموزانی که تعداد بیشتری کتاب مطالعه می‌کنند یا زمان بیشتری را به مطالعه اختصاص می‌دهند، معمولاً با دامنه وسیع‌تری از واژه‌ها مواجه می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های لیو و ژانگ (Liu & Zhang, 2018) هماهنگ است. آنان در یک فراتحلیل شامل ۲۱ مطالعه تجربی و ۱۲۶۸ شرکت‌کننده دریافتند که مطالعه گسترده تأثیر معناداری بر یادگیری واژگان دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کتابخوانی غیردرسی با تسلط زبانی دانش‌آموزان نیز ارتباط مثبت دارد. دانش‌آموزانی که مطالعه بیشتری دارند، علاوه بر شناخت واژه‌های بیشتر، با جمله‌بندی‌ها و ساختارهای متنوع‌تری مواجه می‌شوند و این امر می‌تواند توانایی آنان را در درک و تولید زبان تقویت کند. در نتیجه، تأثیر کتابخوانی غیردرسی را نمی‌توان تنها در افزایش تعداد واژه‌های شناخته‌شده خلاصه کرد، بلکه این فعالیت می‌تواند به شکل‌گیری توانایی گسترده‌تری در استفاده از زبان منجر شود.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های نکانیشی (Nakanishi, 2015) نیز همسو است. وی با بررسی نتایج مطالعات مختلف درباره مطالعه گسترده نشان داد که این شیوه مطالعه می‌تواند بر توانایی خواندن زبان‌آموزان، از جمله سرعت خواندن، درک مطلب، واژگان و برخی مؤلفه‌های زبانی اثر مثبت داشته باشد. این یافته نشان می‌دهد که افزایش تماس با متون می‌تواند فراتر از یادگیری واژگان، بخش‌های مختلف توانایی زبانی را تحت تأثیر قرار دهد.

از دیگر یافته‌های قابل توجه، نقش استمرار در مطالعه است. نتایج نشان می‌دهد صرفاً مطالعه یک یا چند کتاب نمی‌تواند به تنهایی نشان‌دهنده رشد پایدار توانایی زبانی باشد، بلکه استمرار مطالعه و مواجهه مکرر با زبان اهمیت بیشتری دارد. دانش‌آموزی که به صورت منظم مطالعه می‌کند، در طول زمان با واژه‌های جدید بیشتری مواجه شده و فرصت بیشتری برای مشاهده کاربرد آن‌ها در بافت‌های گوناگون پیدا می‌کند. بنابراین، عادت به مطالعه مستمر می‌تواند در مقایسه با مطالعه مقطعی، نقش مؤثرتری در رشد واژگان و تسلط زبانی داشته باشد.



یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که نوع کتاب و تناسب آن با سطح توانایی دانش‌آموز اهمیت دارد. اگر متن بیش از اندازه دشوار باشد، دانش‌آموز ممکن است نتواند معنای واژه‌ها را از بافت استخراج کند و حتی انگیزه خود را برای ادامه مطالعه از دست بدهد. در مقابل، کتاب‌هایی که از نظر موضوعی جذاب و از نظر زبانی متناسب با سطح دانش‌آموز هستند، می‌توانند زمینه مطالعه بیشتر و مواجهه مؤثرتر با زبان را فراهم کنند. یافته‌های فراتحلیل سانگرس و همکاران (Sangers et al., 2025) نیز نشان می‌دهد که مطالعه گسترده در حوزه‌هایی مانند واژگان، درک مطلب، روان‌خوانی، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط عمومی زبانی اثرات مثبت کوچک تا متوسط دارد.

از نظر میزان تأثیرگذاری، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کتاب‌خوانی غیردرسی را باید عاملی مکمل در کنار آموزش رسمی مدرسه در نظر گرفت، نه جایگزینی برای آموزش مستقیم. دانش‌آموزان از طریق کتاب‌های درسی و فعالیت‌های کلاسی با مفاهیم و واژگان پایه آشنا می‌شوند و مطالعه غیردرسی می‌تواند این یادگیری را گسترش داده و فرصت کاربرد و مواجهه بیشتر با زبان را فراهم کند. بنابراین، ترکیب آموزش رسمی با برنامه منظم مطالعه آزاد می‌تواند زمینه مناسب‌تری برای رشد مهارت‌های زبانی ایجاد کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان کتاب‌خوانی غیردرسی، گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان ارتباطی مثبت و معنادار قابل انتظار است. هرچه دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای مطالعه متون متنوع داشته باشند، احتمال مواجهه آنان با واژه‌های جدید و ساختارهای زبانی مختلف افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند به رشد دانش واژگانی، درک بهتر متون و استفاده مؤثرتر از زبان منجر شود. نتایج فراتحلیل جدید سانگرس و همکاران نیز این الگو را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که آثار مثبت مطالعه گسترده در چندین حوزه زبانی مشاهده می‌شود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب‌خوانی غیردرسی یکی از فعالیت‌های مؤثر برای حمایت از رشد زبانی دانش‌آموزان است و توجه بیشتر مدارس و خانواده‌ها به ایجاد فرصت‌های مناسب برای مطالعه آزاد می‌تواند در تقویت دایره واژگان و تسلط زبانی آنان مؤثر باشد.

پیشنهاده‌ها

با توجه به یافته‌های پژوهش و شواهد موجود درباره نقش کتاب‌خوانی غیردرسی در رشد واژگان و توانایی‌های زبانی، پیشنهاد می‌شود مدارس برنامه‌ای منظم و مستمر برای مطالعه آزاد دانش‌آموزان طراحی کنند. این برنامه بهتر است به جای تأکید بر تعداد صفحات یا آزمون گرفتن از محتوای کتاب، بر ایجاد عادت مطالعه، افزایش علاقه به کتاب و فراهم کردن فرصت مواجهه مستمر با متون متنوع تمرکز داشته باشد. پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهند که مطالعه گسترده می‌تواند در بهبود واژگان، درک مطلب، روان‌خوانی، نوشتن، مهارت گفتاری و تسلط کلی زبانی مؤثر باشد (Sangers et al., 2025).

پیشنهاد می‌شود کتابخانه‌های مدارس از نظر تعداد و تنوع منابع تقویت شوند و کتاب‌هایی متناسب با سن، سطح خواندن و علایق مختلف دانش‌آموزان در اختیار آنان قرار گیرد. وجود کتاب‌های داستانی، علمی، تاریخی، ادبی و موضوعات مورد علاقه نوجوانان می‌تواند احتمال انتخاب کتاب و استمرار مطالعه را افزایش دهد. همچنین بهتر است دانش‌آموزان تا حد امکان در انتخاب کتاب آزادی داشته باشند؛ زیرا انتخاب متن مورد علاقه می‌تواند انگیزه و مشارکت آنان در مطالعه را افزایش دهد (Saito, 2025).

به معلمان پیشنهاد می‌شود زمان مشخصی را در طول هفته یا حتی بخشی از زمان کلاس به مطالعه آزاد اختصاص دهند. برای مثال، اختصاص ۱۰ تا ۱۵ دقیقه مطالعه آرام و مستمر می‌تواند به ایجاد عادت مطالعه کمک کند. در این برنامه، معلم نیز می‌تواند به عنوان الگوی مطالعه در کنار دانش‌آموزان کتاب بخواند و درباره کتاب‌های مناسب پیشنهادهایی ارائه دهد.



ثبت میزان مطالعه در دفترچه یا فرم ساده مطالعه نیز می‌تواند به پیگیری استمرار مطالعه کمک کند، بدون آنکه مطالعه را به فعالیتی پراسترس تبدیل کند.

پیشنهاد می‌شود در کنار مطالعه، فعالیت‌های ساده‌ای برای تقویت واژگان نیز طراحی شود. دانش‌آموزان می‌توانند واژه‌های جدیدی را که در کتاب با آن‌ها مواجه می‌شوند در دفترچه‌ای ثبت کنند، معنای آن‌ها را از بافت حدس بزنند، سپس معنای دقیق را بررسی کرده و با هر واژه جمله‌ای بسازند. این شیوه می‌تواند میان مطالعه و یادگیری فعال واژگان ارتباط برقرار کند. یافته‌های پژوهشی نیز نشان داده‌اند که مطالعه متون متنوع می‌تواند فرصت مناسبی برای یادگیری و تثبیت واژگان جدید فراهم کند. (Liu & Saad, 2025).

به خانواده‌ها نیز پیشنهاد می‌شود محیطی مناسب برای مطالعه در منزل فراهم کنند و به جای اجبار دانش‌آموز به خواندن کتاب‌های خاص، او را به انتخاب کتاب مورد علاقه خود تشویق کنند. تهیه کتاب‌های متناسب با علایق فرزند، مطالعه خانوادگی و گفت‌وگو درباره محتوای کتاب می‌تواند نگرش مثبت‌تری نسبت به کتابخوانی ایجاد کند. همچنین بهتر است زمان استفاده از فعالیت‌هایی که فرصت مطالعه را کاهش می‌دهند، مدیریت شود تا مطالعه به بخشی ثابت از برنامه روزانه دانش‌آموز تبدیل شود.

پیشنهاد می‌شود مدارس از ابزارهای دیجیتال نیز برای گسترش کتابخوانی استفاده کنند. ایجاد کتابخانه الکترونیکی مدرسه، معرفی کتاب‌های مناسب، استفاده از کتاب‌های صوتی و فراهم کردن امکان دسترسی به متون دیجیتال می‌تواند برای دانش‌آموزانی که علاقه بیشتری به فناوری دارند، جذاب باشد. البته استفاده از فناوری باید در خدمت افزایش مطالعه قرار گیرد و جایگزین کامل مطالعه عمیق و مستمر نشود.

همچنین پیشنهاد می‌شود معلمان در انتخاب کتاب، سطح دشواری متن را مورد توجه قرار دهند. کتابی که بیش از اندازه دشوار باشد ممکن است باعث توقف مکرر دانش‌آموز، کاهش درک مطلب و کاهش انگیزه شود. در مقابل، متنی که متناسب با سطح خواندن دانش‌آموز و در عین حال جذاب باشد، می‌تواند مطالعه روان‌تر و مستمرتری ایجاد کند. شواهد پژوهشی نیز بر اهمیت تناسب متن با سطح توانایی خواننده و فراهم بودن منابع متنوع تأکید دارند.

پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی اثربخشی برنامه‌های کتابخوانی، مدارس تنها تعداد کتاب‌های خوانده‌شده را ملاک قرار ندهند، بلکه شاخص‌هایی مانند رشد دایره واژگان، درک مطلب، توانایی نوشتن، مهارت بیان و نگرش دانش‌آموز نسبت به مطالعه نیز مورد بررسی قرار گیرد. این امر به معلمان کمک می‌کند تا میزان تأثیر برنامه مطالعه را دقیق‌تر ارزیابی کنند.

در سطح پژوهشی نیز پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی و شبه‌آزمایشی، تأثیر کتابخوانی غیردرسی را در دوره‌های زمانی طولانی‌تر بررسی کنند. همچنین می‌توان نقش متغیرهایی مانند جنسیت، پایه تحصیلی، میزان مطالعه خانوادگی، نوع کتاب، انگیزه مطالعه، سطح اقتصادی - اجتماعی و استفاده از رسانه‌های دیجیتال را در رابطه میان کتابخوانی و رشد زبانی مورد بررسی قرار داد. پژوهش‌های آینده همچنین می‌توانند اثر انواع مختلف کتاب‌ها را بر مؤلفه‌های متفاوت تسلط زبانی به صورت جداگانه بررسی کنند.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی، کتابخوانی غیردرسی را به عنوان فعالیتی مکمل در کنار آموزش رسمی در نظر بگیرند و برای توسعه فرهنگ مطالعه در مدارس، تأمین منابع مناسب و آموزش معلمان در زمینه اجرای برنامه‌های مطالعه گسترده برنامه‌ریزی کنند. مرور پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که اجرای چنین برنامه‌هایی نیازمند دسترسی به منابع مناسب، حمایت مدرسه، برنامه‌ریزی، افزایش انگیزه دانش‌آموزان و فراهم کردن فرصت کافی برای مطالعه است. (La Men & Heng, 2026).



نتیجه گیری

بررسی رابطه میان کتابخوانی غیردرسی و گسترش دایره واژگان و تسلط زبانی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که مطالعه آزاد می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در رشد و تقویت توانایی‌های زبانی آنان باشد. یادگیری زبان فرایندی محدود به کلاس درس و محتوای کتاب‌های درسی نیست، بلکه دانش‌آموزان در جریان تعامل با محیط، مطالعه، گفت‌وگو و مواجهه با انواع متون، به تدریج دانش زبانی خود را توسعه می‌دهند. در این میان، کتابخوانی غیردرسی فرصت مناسبی برای افزایش میزان تماس دانش‌آموز با زبان فراهم می‌کند و او را با واژه‌ها، عبارت‌ها، ساختارهای دستوری و شیوه‌های مختلف بیان مواجه می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین نتایج بررسی حاضر آن است که مطالعه منظم کتاب‌های غیردرسی می‌تواند زمینه گسترش دایره واژگان دانش‌آموزان را فراهم کند. دانش‌آموز هنگام مطالعه با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شود که ممکن است در گفت‌وگوهای روزمره یا کتاب‌های درسی کمتر مشاهده کرده باشد. قرار گرفتن واژه‌های جدید در بافت جمله و ارتباط آن‌ها با موضوع متن، به دانش‌آموز کمک می‌کند معنای واژه را بهتر درک کند و کاربرد آن را بیاموزد. تکرار این فرایند در طول زمان می‌تواند موجب تثبیت تدریجی واژه‌ها و افزایش دانش واژگانی شود. بنابراین، کتابخوانی غیردرسی را می‌توان یکی از روش‌های طبیعی و مستمر برای توسعه واژگان دانست.

از سوی دیگر، گسترش دایره واژگان می‌تواند به بهبود سایر مهارت‌های زبانی نیز کمک کند. دانش‌آموزی که واژه‌های بیشتری می‌شناسد، هنگام خواندن متون مختلف درک دقیق‌تری از مفاهیم پیدا می‌کند و در هنگام نوشتن و سخن گفتن نیز امکانات بیشتری برای بیان افکار و احساسات خود در اختیار دارد. به همین دلیل، اثر کتابخوانی غیردرسی تنها به افزایش تعداد واژه‌های شناخته‌شده محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند با تقویت درک مطلب، افزایش توانایی بیان، بهبود نوشتار و آشنایی با ساختارهای مختلف زبان، به ارتقای تسلط کلی زبانی دانش‌آموزان منجر شود.

در این میان، نقش مدرسه و خانواده در ایجاد فرهنگ مطالعه بسیار مهم است. فراهم کردن کتاب‌های متنوع و متناسب با سن و علایق دانش‌آموزان، تقویت کتابخانه‌های مدارس، اختصاص زمانی مشخص برای مطالعه آزاد و تشویق دانش‌آموزان به معرفی و گفت‌وگو درباره کتاب‌های خوانده‌شده، می‌تواند انگیزه آنان را برای مطالعه افزایش دهد. خانواده‌ها نیز با فراهم



کردن محیط مناسب برای مطالعه و الگوسازی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری عادت کتاب‌خوانی داشته باشند. البته باید توجه داشت که اجبار بیش از حد یا تبدیل مطالعه آزاد به فعالیتی کاملاً ارزشیابی‌محور ممکن است از لذت مطالعه بکاهد.

در مجموع، می‌توان گفت کتاب‌خوانی غیردرسی یک فعالیت ساده اما ارزشمند آموزشی است که می‌تواند از طریق افزایش مواجهه دانش‌آموزان با زبان، به گسترش دایره واژگان و تقویت تسلط زبانی آنان کمک کند. توجه به این موضوع می‌تواند مدارس را به سمت استفاده بیشتر از روش‌های مکمل آموزش رسمی سوق دهد و زمینه رشد همه‌جانبه‌تر مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان را فراهم سازد. با وجود این، نباید کتاب‌خوانی را تنها عامل مؤثر بر رشد زبان دانست؛ عواملی مانند کیفیت آموزش، محیط خانوادگی، انگیزه، سطح اولیه توانایی زبانی، دسترسی به منابع و میزان استفاده از رسانه‌های دیجیتال نیز می‌توانند بر این فرایند اثرگذار باشند. بنابراین، بهترین رویکرد، ایجاد تعامل میان آموزش رسمی زبان و فرصت‌های گسترده مطالعه آزاد است تا دانش‌آموزان بتوانند در محیطی متنوع، مستمر و انگیزمبخش، توانایی‌های زبانی خود را توسعه دهند.

منابع فارسی

- آقازاده، محرم. روش‌های نوین تدریس و آموزش. صفحه ۱ تا ۲۸۰. ۱۳۸۴. انتشارات آبیژ.
- احدیان، محمد و آقازاده، محرم. راهنمای روش‌های نوین تدریس. صفحه ۱ تا ۲۶۰. ۱۳۷۸. انتشارات آبیژ.
- باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. صفحه ۱ تا ۳۵۰. ۱۳۹۰. انتشارات مدرسه.
- سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. صفحه ۱ تا ۷۵۰. ۱۳۹۹. نشر دوران.
- شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس. صفحه ۱ تا ۴۷۶. ۱۴۰۰. انتشارات سمت.
- شریعتمداری، علی. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. صفحه ۱ تا ۴۰۰. ۱۳۹۲. انتشارات امیرکبیر.
- صفوی، امان‌الله. روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. صفحه ۱ تا ۳۵۰. ۱۳۹۰. انتشارات سمت.
- فتحی‌آذر، اسکندر. روش‌ها و فنون تدریس. صفحه ۱ تا ۳۲۰. ۱۳۹۱. انتشارات دانشگاه تبریز.
- کمالی‌نهاد، علی‌اکبر و توانا، مرتضی. مهارت خواندن در آموزش زبان فارسی. صفحه ۱ تا ۱۹۲. ۱۳۹۶. انتشارات نگار کمال.
- کریمی، یوسف. روان‌شناسی تربیتی. صفحه ۱ تا ۳۸۰. ۱۳۹۸. انتشارات ارسباران.

منابع انگلیسی



- Bamford, Julian & Day, Richard R. Extensive Reading Activities for Teaching Language. pp. 1–238. 2004. Cambridge University Press.
- Creswell, John W. Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. pp. 1–672. 2012. Pearson.
- Day, Richard R. & Bamford, Julian. Extensive Reading in the Second Language Classroom. pp. 1–238. 1998. Cambridge University Press.
- Nation, I. S. P. Learning Vocabulary in Another Language. pp. 1–477. 2001. Cambridge University Press.
- Nakanishi, Takayuki. A Meta-Analysis of Extensive Reading Research. pp. 1–20. 2015. TESOL Quarterly.
- Sangers, Nina et al. Extensive Reading and Its Effects on Language Learning: A Meta-Analysis. pp. 1–35. 2025. Educational Psychology Review.